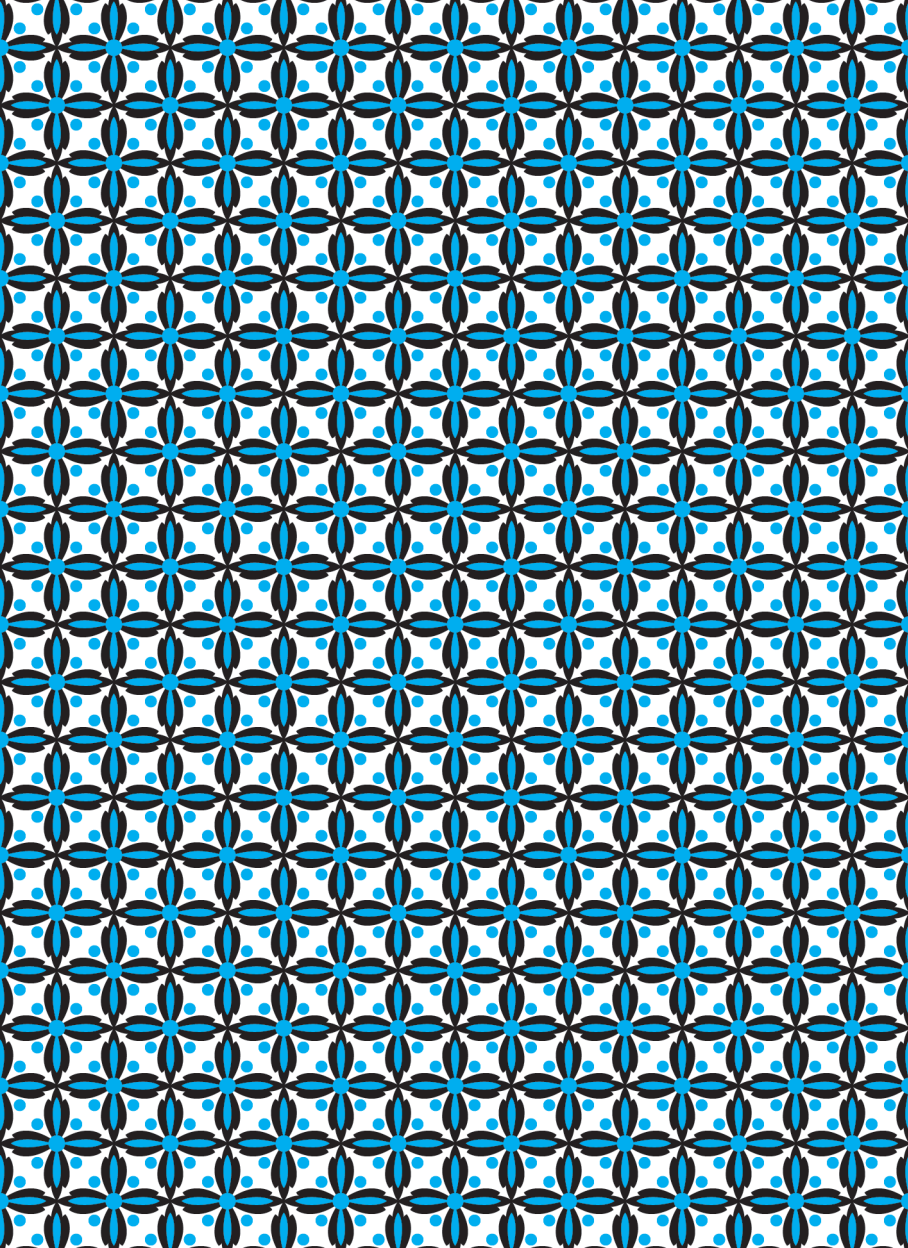


الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا
أن هدانا الله



حدیث
خانواده

چهل حدیث برای

پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها

۱۰

به کوشش: محمد الهی خراسانی

سرشناستامه: الهی خراسانی، محمد
عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث برای پدربزرگ ها و مادربزرگ ها/ به کوشش محمد الهی خراسانی
مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۹۶ص*۱۷*۱۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۹۴-۱۷-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: اربعینات-- قرن ۱۴
موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ج ۸۷ الف ۷۴/۱۳۳/۹ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸
شماره کتابخانه ملی: ۲۰۳۲۶۲۴



آستان قدس رضوی
سازمان تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره آموزش علوم قرآن و حدیث



چهل حدیث برای پدربزرگ ها و مادربزرگ ها/ حدیث خانواده (۱۰)

به کوشش: محمد الهی خراسانی

تهیه و تدوین: معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی

اداره علوم قرآن و حدیث

طراح جلد: محمدرضا میری

صفحه آرایشی: محمود بازدار

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

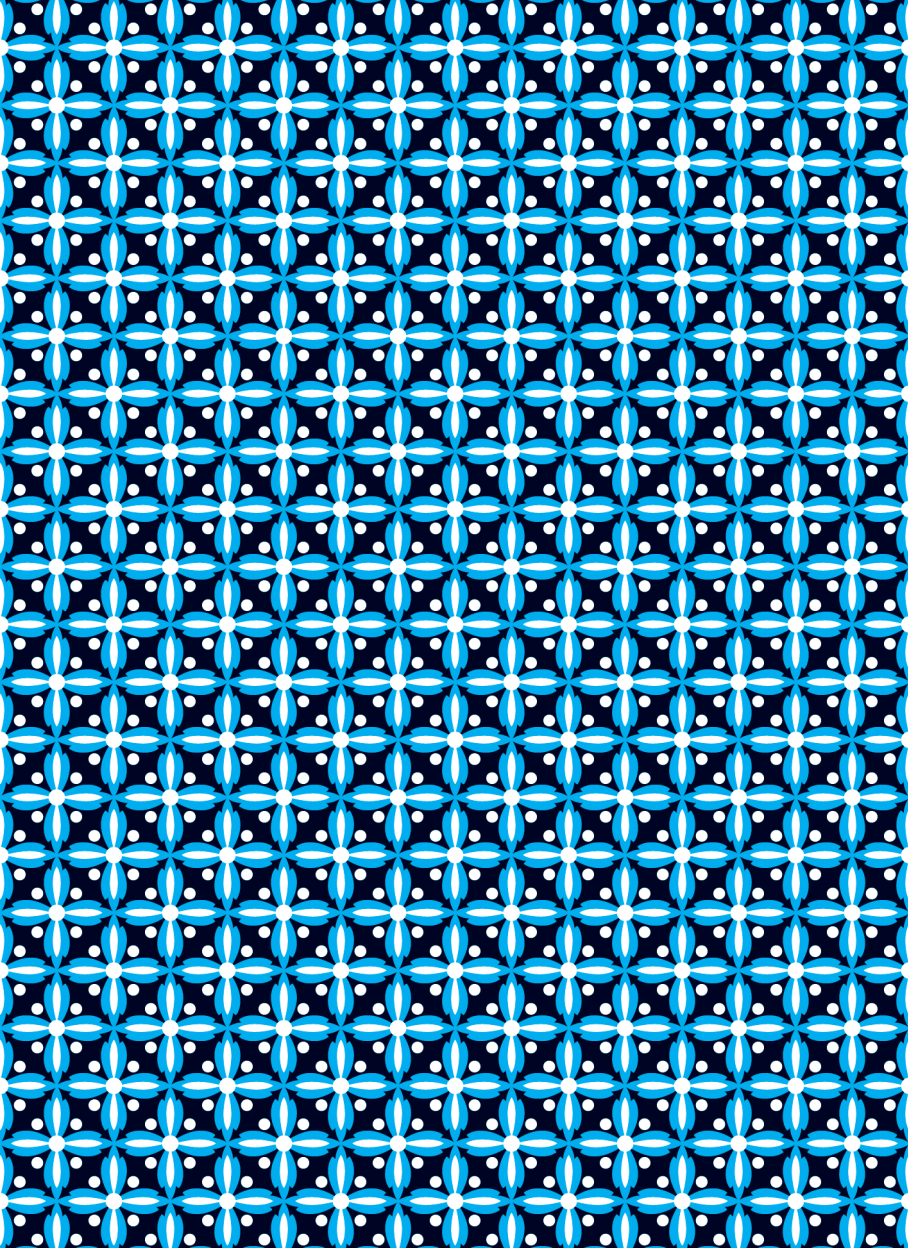
شمارگان: ۳۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۹۴-۱۷-۵



تقديم به پیشگاه دخت رسالت
بانوی ولایت و امامت
حضرت زهرا سلام الله علیها
او که «حدیث خانواده»
حکایت گفتار گهربار خانواده اوست





۵۶ / آثار پُرگویی / ۲۱	۱۶ / وفار دوست داشتنی / ۱
۵۸ / حُکم ندانسته / ۲۲	۱۸ / مدارا با روزگار / ۲
۶۰ / صدرنشینی / ۲۳	۲۰ / پایان عذرپذیری / ۳
۶۲ / نصیحت آشکار / ۲۴	۲۲ / بهترین مردم / ۴
۶۴ / عذرناپذیران / ۲۵	۲۴ / نشانه‌های بهشتیان / ۵
۶۶ / از کینه تا کینه‌ورزی / ۲۶	۲۶ / بندگان خاص خداوند / ۶
۶۸ / بی‌اعتمادی دو طرفه / ۲۷	۲۸ / خدمت به خانواده خدا / ۷
۷۰ / عاقبت تجسس / ۲۸	۳۰ / صدقه یا قرض الحسنة / ۸
۷۲ / حد احتیاط / ۲۹	۳۲ / بدترین بخشش / ۹
۷۴ / نوجوانان را دریابیم / ۳۰	۳۴ / فرجام تحقیر / ۱۰
۷۶ / کفاره فال بد / ۳۱	۳۶ / خوش‌رویی با دیگران / ۱۱
۷۸ / عمرها و اجل‌ها / ۳۲	۳۸ / دوستان خدا، دوستان شیعیان / ۱۲
۸۰ / معامله دنیا و آخرت / ۳۳	۴۰ / شادکردن مؤمنان / ۱۳
۸۲ / کار برای دنیا و کار برای آخرت / ۳۴	۴۲ / سرپرستی یتیمان / ۱۴
شب‌های نیایش / ۸۴	۴۴ / بهترین شفاعت / ۱۵
شب‌های درد / ۸۶	۴۶ / مهمانان و فرشتگان / ۱۶
خیانت به بدن / ۸۸	۴۸ / حُسن همسایگی / ۱۷
تا بستر / ۹۰	۵۰ / تسلای خاطر مصیبت‌دیدگان / ۱۸
کلید گنجینه عمر / ۹۲	۵۲ / دلدار مردمان / ۱۹
گذرنامه‌های بهشتی / ۹۴	۵۴ / زیادی مال و زیادی کلام / ۲۰



ما شیعیان در کنار چشمه‌هایی که ۲۵۰ سال جاری شدند و به هم پیوستند، تشنه‌لبان نشسته‌ایم و روح نیازمند خود را نشسته‌ایم. گفته‌های امامان راست‌گفتار، پس از قرآن کریم، تنها نسخه‌آزموده برای شست‌وشوی جان و دل ماست. این پرسش که چرا چشم‌هامان را در این چشمه‌ها پاک نساخته‌ایم، خود سرآغاز دگرگونی و روی‌آوری به گنجینه‌های حدیثی است.

آستان‌قدس رضوی، براساس راهبردهای سند چشم‌انداز بیست‌ساله فرهنگی، توجه ویژه‌ای به گسترش اندیشه‌ها و معارف حدیثی دارد و اداره آموزش علوم قرآن و حدیث آستان‌قدس رضوی، در ادامه همین روش خجسته، راه را بر فراوان‌سازی پژوهش‌ها و آثار حدیثی می‌گشاید.

مجموعه‌های چهل حدیث، هرگاه درون‌مایه‌هایی بلند را در نوشتارهایی کوتاه و با بیانی گویا و رسا نشان دهند، به‌خوبی می‌توانند این راهبرد را عملی سازند.

کتابی که پیش روی شما خوانندگان عزیز است، بخشی از مجموعه ده‌جلدی «حدیث خانواده» است که با گزینش هماهنگ و قلم خوش‌آهنگ حجت‌الاسلام محمد الهی خراسانی و پس از ارزیابی استادان ارجمند حجج اسلام عبدالهادی مسعودی و الهی‌زاده آماده شده است. امیدواریم نگرش و نگارش این مجموعه حدیثی در امتداد الطاف امام علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد و همراه با عنایت شما خوانندگان مهربان.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
آستان قدس رضوی

درآمد



قال الصادق عليه السلام:

مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا

هر کس چهل حدیث از احادیث ما حفظ کند، خداوند در روز قیامت او

را همچون دانشمندی فقیه برانگیزد. الکافی، ج ۱، ص ۴۹

سنت چهل حدیث نویسی از دیرباز در میان عالمان مسلمان، رایج بوده است. این سنت، بیش از هر سبب دیگر، ریشه در احادیثی دارد که به شکل های گوناگون از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در فضیلت فراوان حفظ چهل حدیث نقل شده است. نمونه ای از آن ها در صدر این نوشتار آمده است.

تاکنون مجموعه های چهل حدیثی فراوانی تدوین شده است که محور هر مجموعه، سخنان یکی از معصومان علیهم السلام و یا موضوعی اعتقادی یا اخلاقی بوده است. در این میان، هنوز

مجموعه‌ای حدیثی عرضه نشده است که احادیث آن، بر محور گروه‌های سنی مخاطبان و فضای ذهنی و نیازهای روحی خاص هر گروه سامان یافته باشد؛ در حالی که ضرورت و اهمیت این کار بر کارشناسان عرصه تبلیغ معارف دینی پوشیده نیست.

نگارنده که چند سالی است در حوزه حدیث و علوم و معارف حدیثی، به تحقیق و تدریس و تألیف اشتغال دارد و از سوی دیگر تجربه سال‌ها کار آموزشی و تربیتی در مقاطع گوناگون دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه دارد، مصمم شد تا با پیوندزدن دو شاخه «حدیث» و «تربیت دینی»، مجموعه‌ای حدیثی با محوریت نیازهای تربیتی مخاطب فراهم آورد و تا حد توان، کاستی موجود در این زمینه را برطرف سازد. مجموعه‌ای که با نام حدیث خانواده پیش روی شماست، محصول این دغدغه و ثمره حدود سه سال مطالعه و مشاوره برای گزینش، تنظیم و تبیین احادیث است.

حدیث خانواده ده دفتر چهل حدیثی است که شامل احادیث گلچین شده برای گروه‌های سنی گوناگون تشکیل دهنده خانواده است. این گروه‌های سنی را این گونه تقسیم کرده‌ایم:

دفتر اول: کودکان (۸ تا ۱۱ ساله)

دفتر دوم: نوجوانان (۱۲ تا ۱۵ ساله)

دفتر سوم: جوانان: دختران (۱۶ ساله به بالا)

دفتر چهارم: جوانان: پسران ۱ (۱۶ تا ۱۹ ساله)

دفتر پنجم: جوانان: پسران ۲ (۲۰ ساله به بالا)

دفتر ششم: همسران: مردان

دفتر هفتم: همسران: زنان

دفتر هشتم: پدران

دفتر نهم: مادران

دفتر دهم: پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها

احادیث درج شده در این دفترها همگی از منابع حدیثی شیعه و از میان دست‌کم ۲۰۰۰۰ روایت، طی چند مرحله، گزینش شده‌اند. معیارهای اصلی گزینش احادیث برای هر گروه، بدین شرح بوده است:

۱. تناسب محتوایی با خصوصیات و نیازهای مخاطب در هر

گروه سنی؛

۲. فراشمولی و اختصاص نداشتن به موقعیت خاص زمانی یا

مکانی؛

۳. صریح بودن معنا و تشابه نداشتن آن، به گونه‌ای که منجر به برداشت‌های نادرست نشود.

۴. روانی و کوتاهی نسبی متناسب با گروه سنی، برای حفظ

آسان‌تر.

شایان ذکر است به سبب پابندی بر این معیارها، در گروه‌های همسان، مانند جوانان (پسران و دختران)، همسران (مردان و زنان) و پدران و مادران، روایات مشترک به چشم می‌خورد؛ اما گزینش روایات‌ها به گونه‌ای است که در مجموعه جلد‌های مربوط به مراحل سنی یک فرد، از جنس مرد یا زن، هیچ روایتی تکراری نیست.

نکاتی نیز در ساماندهی روایات در هر دفتر مدنظر بوده است:

۱. پرهیز از قضا سازی تمام‌سفید یا تمام‌سیاه، به این معنا که

- عمده روایت‌ها، نمایانگر تشویق و تبشیر یا عتاب و انذار نباشد؛
۲. جامعیت نسبی از جنبه تربیتی، به گونه‌ای که در مجموع روایات هر دفتر، تقریباً به مسائل مهم و نیازهای خاص آن گروه سنی اشاره شده باشد؛
۳. اشاره هم‌زمان به خطوط کلی و راهنمایی‌های عینی و جزئی در مسیر زندگی؛
۴. گنجانیدن محرک‌هایی برای تحوّل روحی در میان روایات هر دفتر؛
۵. ترتیب‌بندی هدفمند روایت‌ها، به طوری که تا حد امکان، میان هر روایت با روایت بعدی، وجه ارتباطی آشکار باشد و خواننده احساس کند که روایات، یکی پس از دیگری جریان دارند؛
۶. شاخص بودن روایات نخستین و واپسین هر دفتر، به گونه‌ای که روایت نخستین، نقطه مناسبی برای آغاز و روایت واپسین، نقطه پایان مناسبی باشد و در عین حال، منشأ حرکت و تحوّل. همچنین، درباره چگونگی ارائه روایت‌ها نکاتی چند در کانون توجه بوده است:
۱. روایات به طور کامل، اعراب‌گذاری و در صورت لزوم، علامت‌گذاری شود؛
۲. ترجمه روایت، ساده و روان و رسا باشد و از ترجمه واژه‌به‌واژه یا ادبی پرهیز شود؛
۳. منبع هر روایت، به طور دقیق، در پای روایت و شناسنامه منابع در پایان هر دفتر بیاید؛

۴. پس از هر روایت، مطلبی کوتاه برای فهم بهتر و ملموس تر روایت، متناسب با زبان سنّی مخاطب، آورده شود.

در پایان، لازم می‌دانم از استاد ارجمندم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نقی‌زاده که در نخستین مراحل نگارش این مجموعه، مشوّق نگارنده برای تکمیل کار بودند، قدردانی کنم. از استادان بزرگوار، حجج اسلام عبدالهادی مسعودی و محمدحسین الهی‌زاده که ارزیابی این اثر را برعهده گرفتند و نیز از معاونت محترم تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی و ریاست محترم اداره آموزش علوم قرآن و حدیث و همه همکارانشان که اسباب بهره‌مندی خیل زائران حرم رضوی را از این اثر فراهم کردند، تشکر می‌کنم. همچنین از همسر مهربانم که سامان یافتن این اثر، مرهون همدلی و همراهی چندین ساله‌ی اوست، صمیمانه سپاسگزارم.

به امید آنکه این تلاش ناچیز، مورد عنایت خاندان رسالت و به‌ویژه امام رئوف حضرت رضا علیه‌الاف‌التحیه‌والثناء، که همواره بنده احسانشان بوده‌ام، قرار بگیرد و خانواده‌های گرامی، در همه سطوح، از این مجموعه حدیثی بهره‌مند شوند.

محمد الهی خراسانی

۱۳۸۸آبان

برابر با اذی‌الحجه ۱۴۳۰

سالروز ازدواج پربرکت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

و حضرت زهرا علیها‌السلام

درآمدی بر چاپ دوم

به حول و قوه الهی و با عنایات اهل بیت علیهم السلام، مجموعه «حدیث خانواده» پس از نخستین انتشار با استقبال گرم مخاطبان روبه‌رو شد. هرچند پاره‌ای اشکال‌ها در مرحله چاپ رخ داده بود که مانع از انتشار گسترده کار شد. به‌هر ترتیب، در چاپ جدید و با پیگیری‌های به‌عمل آمده، این اشکال‌ها برطرف شد و به‌همین بهانه، تجدیدنظری نیز در گزینش و توضیح روایات برخی دفترها صورت گرفت.

شایسته است از فاضل گران‌مایه، حجت‌الاسلام سیدمحمدضیایی که با مطالعه دقیق و کامل مجموعه دفترها و نکته‌سنجی‌های خود، زمینه این تجدیدنظر فراهم کردند، سپاسگزاری کنم. همچنین از برادر ارجمند آقای مهدی لسانی رئیس اداره علوم قرآن و حدیث آستان قدس رضوی که زمینه انتشار آراسته‌ترین اثر را فراهم کردند، قدردانی می‌کنم.

از همه خوانندگان گرامی، به‌ویژه کارشناسان دینی و تربیتی خواهشمندیم ما را از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای ارزشمندشان، از طریق تماس یا مکاتبه با اداره علوم قرآن و حدیث آستان قدس رضوی، بهره‌مند سازند.

به‌امید آنکه «حدیث خانواده» خانواده‌های ما را با حقیقت «کلامکم نور و امرکم رشد»، بیشتر آشنا سازد.

محمد الهی خراسانی

۱۱ اسفند ۱۳۹۰

برابر با ۸ ربیع‌الآخر ۱۴۳۳

سالروز ولادت باسعادت امام حسن عسکری علیه السلام

وقار دوست‌داشتنی

قالَ عليٌّ عليه السلام:

وَقَارُ الشَّيْبِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَضَارَةِ الشَّبَابِ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

وقار پیری نزد من، دوست‌داشتنی‌تر از خرمی جوانی است.

جوانی فصل خرم زندگی است؛ اما با همه شور و نشاطی که دارد، بیشتر بانوعی سبک‌سری همراه است؛ به گونه‌ای که در روایات، جوانی را شعبه‌ای از جنون دانسته‌اند.

پیری فصل خزان زندگی است؛ اما با تمام سُستی و ضعفی که دارد، غالباً تجسم وقار و متانت است؛ وقار و متانتی که حاصل چشیدن سرد و گرم روزگار است.

امیرمؤمنان (علیه السلام) این وقار را از آن خرمی بیشتر دوست داشتند.



مدارا با روزگار

قالَ عليٌّ عليه السلام:

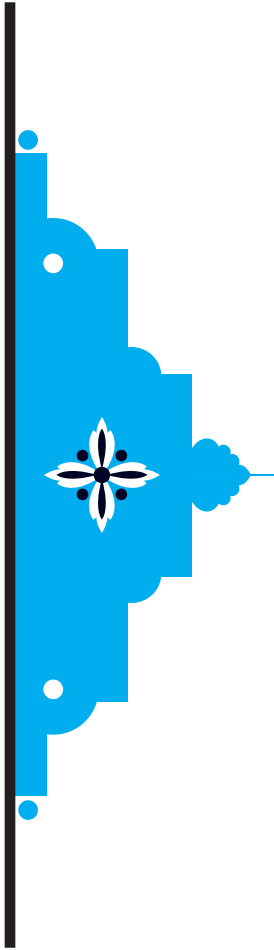

مَنْ كَابَرَ الزَّمَانَ عَطِبَ وَ مَنْ يَنْقَمُ عَلَيْهِ غَضِبَ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

هرکس با روزگار بستیزد، هلاک می‌شود و هرکس آن را
 سرزنش کند، [خود] در خشم شود.

تحف العقول، ص ۸۲



به کام نبودن روزگار، دست او نیست
که با سرزنش ما عوض شود؛ اما کنار
آمدن باروزگار، دست ماست.
اگر سپهر نگردد به حال خود تو بگرد
زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز

پایان عذرپذیری

قال الباقر عليه السلام:

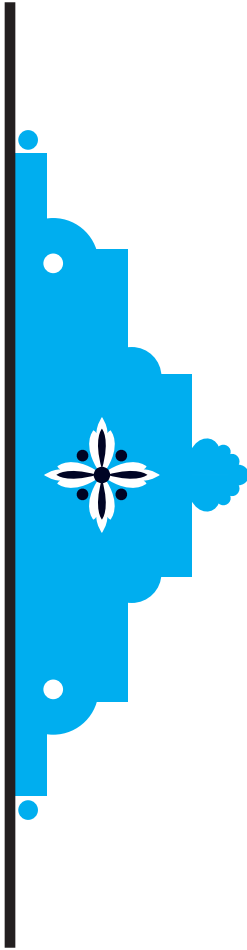
إِذَا أَتَتْ عَلَى الْعَبْدِ أَرْبَعُونَ سَنَةً قِيلَ لَهُ: خُذْ
حِذْرَكَ، فَإِنَّكَ غَيْرُ مَعْدُورٍ.



امام باقر عليه السلام فرمودند:

هرگاه چهل سال بر بنده بگذرد، به او می‌گویند که به
هوش باش که دیگر عذری از تو پذیرفته نیست.

الخصال، ج ۲، ص ۵۴۵



دوران جوانی، دورهٔ آشنایی با پیچ و خم‌های دنیا و کسب تجربه در مسیر زندگی است. از سوی دیگر، احساسات و غرایز جوان بر تعقل و اندیشهٔ وی غلبه دارد و به همین دلیل، پاره‌ای از غفلت‌ها و اشتباهات بخشودنی است.

آنگاه که سرد و گرم روزگار چشیده می‌شود و آتش غرایز فرو می‌نشیند و عقل بر مرکب جان سوار می‌شود، دیگر غفلت و اشتباه پذیرفتنی نیست.

بهترین مردم

قالَ عليٌّ عليه السلام:

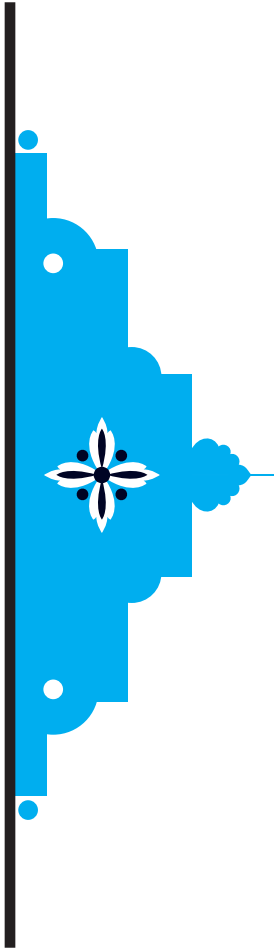
خَيْرُ النَّاسِ مَنْ زَهَدَتْ نَفْسُهُ وَ قَلَّتْ رَغْبَتُهُ وَ
مَاتَتْ شَهْوَتُهُ وَ خَلَصَ إِيمَانُهُ وَ صَدَقَ إِيقَانُهُ.



امام علی علیه السلام فرمودند:

بهترین مردمان کسی است که به دنیا دل نبندد،
خواهش‌هایش اندک باشد، شهوتش مرده باشد، ایمانش
خالص و یقینش راستین باشد.

غررالحکم، ح ۶۰۳۹



دل‌کندن از دنیا، کار آسانی نیست. باید
از اسارت شهوت‌ها و هوس‌ها آزاد شد
و این آزادی، نصیب کسی می‌شود که
از ایمان والایی برخوردار باشد؛ ایمان
به آخرت و وعده‌های الهی.
خوشا به حال کسانی که به این
مرحله رسیده‌اند.

نشانه‌های بهشتیان

قال الصادق عليه السلام:

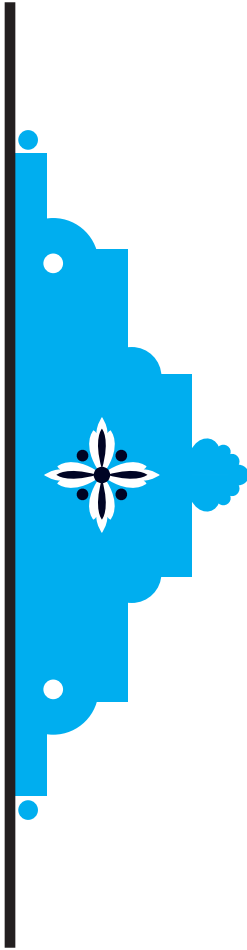
إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ وَ
لِسَانٌ لَطِيفٌ وَقَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

اهل بهشت چهار علامت دارند: روی گشاده، زبان نرم،
قلب مهربان و دست بخشنده.

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۱



نشانه‌های ایمان، فقط خواندن نماز و رفتن به حج نیست. ایمان در مناسبات اجتماعی و در مواجهه با دیگران نیز باید نمود داشته باشد. ایمان با روی تُرش و زبان تُند جمع نمی‌شود. مؤمن قلبی مهربان و دستی بخشنده دارد. اهل بهشت دوست‌داشتنی‌ترین مردمان هستند.

بندگان خاص خداوند

قال الكاظم عليه السلام:

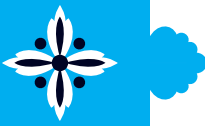
إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ
النَّاسِ. هُمُ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.



امام کاظم عليه السلام فرمودند:

خداوند در زمین، بندگان دارد که برای رفع نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت، در امان هستند.

الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷



در میان زمینی‌ها، مردمانی هستند
که زمانی خواب راحت به
چشمشان می‌آید که گره‌ای از کار
خلق گشوده باشند. شادی آنان در
شادی بندگان خداوند و اندوهشان
در اندوه آنان است.

در آن روز که روز وحشت و
سرگردانی است، اینان در زیر سایه
رحمت الهی می‌آسایند.

خدمت به خانواده خدا

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ
عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

مردم خانواده خداوند هستند. پس دوست داشتنی ترین
مردم نزد خداوند کسی است که به خانواده خدا منفعتی
برساند و دل اهل خانه‌ای را شاد کند.

الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴

اگر کسی باخبر شود که آشنایی در جایی به یکی از اعضای خانواده او خدمتی هرچند کوچک کرده است، محبت به او در دلش چند برابر می شود و تمام تلاش خود را به کار می بندد تا لطف او را جبران کند.

مردم، از کوچک و بزرگ و پیر و جوان و مرد و زن و سپید و سیاه، همه و همه روزی خور خداوند و تحت سرپرستی و ربوبیت او هستند. اگر کسی به خانواده خداوند خدمتی کند، به راستی در پیشگاه پروردگار چه جایگاهی پیدامی کند؟



صدقه یا قرض الحسنه

قال الصادق عليه السلام:

مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ
الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

بر در بهشت نوشته‌اند: صدقه دادن ده درجه و قرض دادن
هجده درجه (پاداش) دارد.

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۸

قرض را نیازمند واقعی طلب می‌کند. در حالی که صدقه را گاه کسی طلب می‌کند که واقعاً نیاز ندارد.

قرض با نوعی تکریم همراه است و در آن، آبرو و اعتبار فرد نیازمند حفظ می‌شود. حال آنکه غالباً در دریافت صدقه، شخص از آبرو و اعتبار خود می‌گذرد.

تفاوت‌های دیگری نیز میان قرض الحسنه و صدقه وجود دارد. شاید سرفزونی پاداش قرض الحسنه بر صدقه، همین تفاوت‌ها باشد.



بدترین بخشش

قالَ عليٌّ عليه السلام:


شَرُّ النَّوَالِ مَا تَقَدَّمَهُ الْمَطْلُ وَ تَعَقَّبَهُ الْمَنُّ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

بدترین بخشش آن است که پیش از دادن آن، به تأخیر
افکنند و پس از دادنش منت گذارند.

غررالحکم، ح ۸۹۲۸



عطا و بخشش، کاری اختیاری است
و هیچ کس را به آن مجبور نمی کنند.
حال اگر کسی قصد بخشش داشت،
باید بداند که مطلوب بودن عطا و
بخشش، به خوشایند بودن آن است.
اگر با اسباب تلخ کامی همراه شد،
هیچ کس آن را طلب نمی کند.

فرجام تحقیر

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

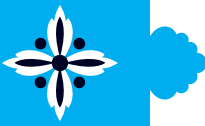
مَنْ اسْتَدَلَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ أَوْ قَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ، شَهَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هر کس مرد یا زن مؤمنی را به سبب تهی دستی یا کم بضاعتی، خوار و حقیر شمارد، خداوند تعالی در روز رستاخیز، او را انگشت نما و سپس رسوا می کند.

جامع الأخبار، ص ۱۱۱



مؤمن، چه ثروتمند باشد و چه مستمند،
نزد خداوند آبرو مند است و مهم، آبرو
داشتن نزد خداست. حال اگر کسی
مؤمنی را به دلیل آنکه مال و منال
چندانی ندارد، خوار کند، خداوند نیز
در آن روز که اعتبار دنیوی دیگر هیچ
ارزشی ندارد، او را رسوای خاص و
عام می کند.

خوش رویی با دیگران

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

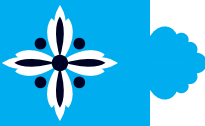
إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقَوْهُمْ
بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هرگز نمی توانید با اموال خود، همه مردم را بهره مند کنید؛
پس با آنان با گشاده رویی و خوش رویی تمام رفتار کنید.

الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳



کسانی که فقط به خود نمی‌اندیشند
و آسایش دیگران برای آنان مهم
است، گاه با خود می‌گویند که کاش
آن قدر ثروت داشتیم که به همه از آن
می‌بخشیدیم. پیدا است که هیچ‌گاه
چنین ثروتی نصیب کسی نمی‌شود؛
اما می‌توان از راه دیگری همگان را
بهره‌مند کرد. راهی که به هیچ مال و
ثروتی نیاز ندارد: خوش‌رویی.

دوستان خدا، دوستان شیعیان

قالَ عليٌّ عليه السلام:

مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ، أَحَبَّ النَّبِيَّ؛ وَمَنْ أَحَبَّ النَّبِيَّ،
أَحَبَّنَا؛ وَمَنْ أَحَبَّنَا، أَحَبَّ شِيعَتَنَا.



امام علی عليه السلام فرمودند:

هرکس خداوند را دوست داشته باشد، پیامبر را نیز دوست دارد.
هرکس پیامبر را دوست داشته باشد، ما را نیز دوست دارد. هرکس
ما را دوست داشته باشد، شیعیان ما را نیز دوست خواهد داشت.

بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۹۸

توحید و یکتاپرستی در رفتار و کردار انسان موحد اثر می‌گذارد. یکی از آثار عینی و عملی توحید این است که محبت و دوستی‌های ما به خاطر خدا باشد و هر که را خدا دوست دارد، دوست بداریم.

خداوند پیامبرش را و پیامبر اهل بیت خود را و اهل بیت شیعیانشان را دوست دارند. پس محبت به شیعیان، در محبت به اهل بیت و محبت به اهل بیت، در محبت به پیامبر و محبت به پیامبر، در محبت به خداوند ریشه دارد.

آیا همه شیعیان اهل بیت را دوست داریم؟ آیا در حق همه آنها دلسوزی می‌کنیم؟



شاد کردن مؤمنان

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

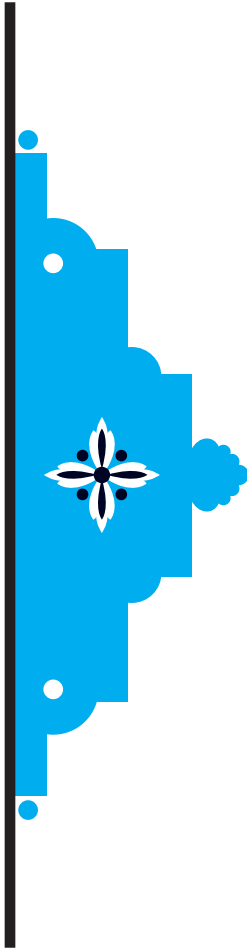
مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي
وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هرکس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هرکس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.

الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸



کسی که بشارتی را به مؤمنی می دهد،
کسی که مؤمنی را به مقصدش
می رساند، کسی که مؤمنی را از
نگرانی می رهاند و کسی که لبخند بر
لبان مؤمنی می نشاند، دل رسول خدا را
شاد می کند.

خداوند نیز کسی را که دل حبیبش
را شاد کرده، دل شاد می کند.

سرپرستی یتیمان

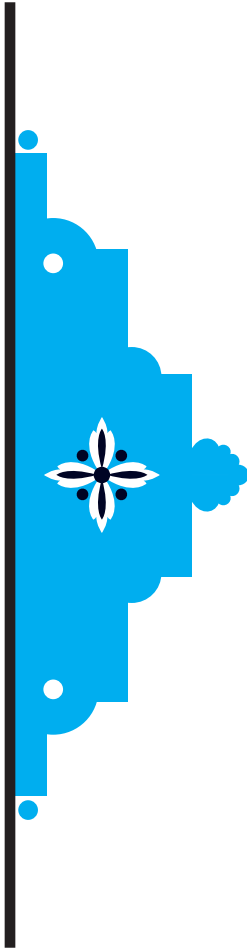
قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَغْنِيَ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ
بِذَلِكَ الْجَنَّةَ، كَمَا أَوْجَبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ
النَّارَ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هر کس یتیمی را سرپرستی کند، تا وقتی که بی نیاز شود، خداوند
به سبب آن، بهشت را بر او واجب می کند. همان گونه که دوزخ
را برای خورنده مال یتیم واجب کرده است.



یتیم بیش از هر چیز، به رسیدگی و حمایت نیاز دارد. به کسی نیاز دارد که مانند پدر، سایه‌اش بر سر او باشد.

بهشت خداوند، ارزانی کسانی است که در این دنیا، زیر بال و پر کودک یتیمی را بگیرند و کفالتش کنند، تا روزی که خود پر بگشاید و بتواند در آسمان زندگی پرواز کند.

بهترین شفاعت

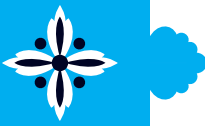
قالَ عليٌّ عليه السلام:

أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ
حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا.



امام علی عليه السلام فرمودند:

بهترین وساطت‌ها آن است که میان دو نفر در ازدواج
وساطت کنی تا خداوند آن دو را با هم پیوند دهد.



چه بسیار پسران و دختران جوانی که به سن ازدواج رسیده‌اند و موقعیت آن را نیز دارند؛ اما به کسانی نیاز دارند که گزینه‌های مناسب برای ازدواج را به آنان معرفی کنند و اسباب آشنایی دو طرف را فراهم سازند. بدیهی است این کار از عهدهٔ کسانی برمی آید که سن و سال و جایگاه مناسبی دارند. اگر بزرگ‌ترها به یاری و حمایت جوانان بیایند، ازدواج‌ها هم زودتر و هم آسان‌تر انجام می‌شود.

مهمانان و فرشتگان

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

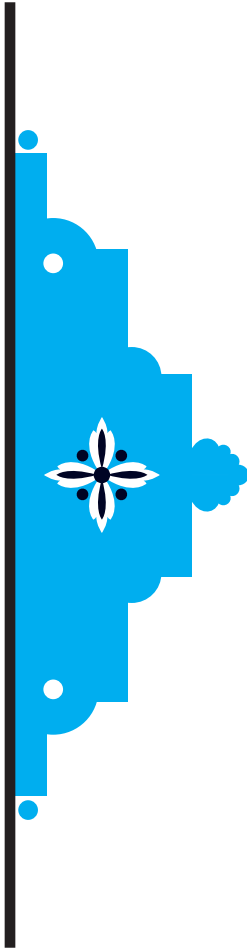
كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ، لَا تَدْخُلُهُ
الْمَلَائِكَةُ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هر خانه‌ای که میهمان به آن وارد نشود، فرشتگان واردش
نمی‌شوند.

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۸



خداوند کریم همهٔ خلایق را بر سر
سفرهٔ نعمت‌های خویش نشانده است.
او دوست دارد بندگانش نیز همچون
خود او مهمان‌نواز باشند. فرشتگان خدا
نیز خانه‌ای را دوست دارند که رنگ و
بوی ضیافت کریمانهٔ خداوند دارد.
گویا مهمان که وارد خانه می‌شود،
فرشتگان را با خود به خانه می‌آورد.

حُسن همسایگی

قالَ الكاظمُ عليه السلام:

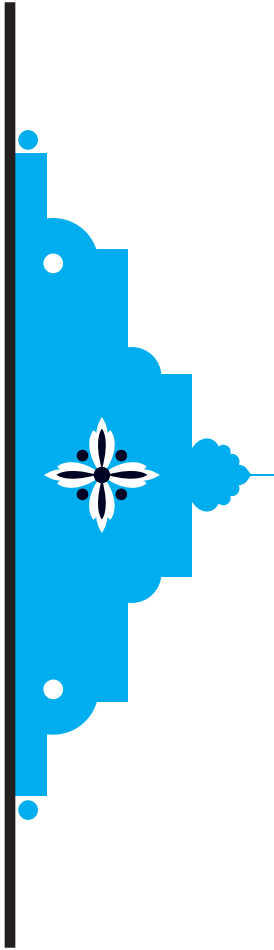
لَيْسَ حُسْنُ الْجِوَارِ كَفَّ الْأَذَى وَ لَكِنَّ حُسْنَ
الْجِوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى.



امام کاظم عليه السلام فرمودند:

حُسن همسایگی این نیست که آزار نرسانی؛ بلکه این
است که در برابر آزار و اذیت همسایه شکیبیا باشی.

الکافی، ج ۲، ص ۶۶۷



همسایگی باید همراه با همسایه‌داری
باشد. نخستین گام در همسایه‌داری
آن است که باعث زحمت و
ناراحتی همسایگان نشویم. گام
بعدی در همسایه‌داری آن است
که با همسایگان مدارا کنیم و بر
نارواهایشان چشم‌پوشیم.

این‌گونه همسایه‌داری، هم
پاداش الهی و هم احترام و اکرام
همسایگانمان را به دنبال دارد.

تسلی خاطر مصیبت دیدگان

قال الصادق عليه السلام:

كَفَاكَ مِنَ التَّعْزِيَةِ بِأَنْ يَرَاكَ صَاحِبُ
الْمُصِيبَةِ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

برای تسلادادن، همین اندازه کافی است که صاحب
مصیبت، تو را ببیند.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۴

هیچ چیز به اندازه حضور و همدلی
آشنایان، فرد داغ دیده را تسلا نمی دهد.
هنگامی که ببیند دوستان و خویشان، او را
فراموش نکرده اند و در کنارش هستند،
جای خالی عزیز از دست رفته اش را
کمتر احساس می کند.

در این میان، نقش بزرگ ترها از همه
مهم تر است. حضور آنان در کنار
مصیبت دیدگان، همچون درختی
تناور است که داغ دیدگان زیر سایه
آن می آسایند.

دلدار مردمان

قالَ عليٌّ عليه السلام:

عَاشِرُوا النَّاسَ عِشْرَةً إِنْ غِبتُمْ حَنَوَا إِلَيْكُمْ وَ
إِنْ فُقِدْتُمْ بَكَوَا عَلَيْكُمْ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

با مردم چنان معاشرت کنید که هرگاه غایب بودید، مشتاق دیدار شما باشند و هرگاه از دست رفتید، برای شما بگریند.

برخی چنان‌اند که وقتی از دنیا می‌روند، جز خانوادهٔ خودشان، کسی برای آنان نمی‌گیرد. برای برخی دیگر، اگر هم بگیرند، در وقت مرگشان است؛ و گرنه تا زنده بوده‌اند، کسی میل و رغبتی به آنان نداشته است.

شنیده‌ایم و دیده‌ایم کسانی را که تازمانی که در میان بوده‌اند، همه مشتاق دیدارشان و آن هنگام که از دست رفته‌اند، همه گریان و عزادارشان بوده‌اند. چرا ما نیز در شمار اینان نباشیم؟



زیادی مال و زیادی کلام

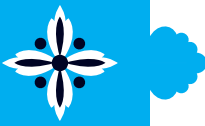
قالَ عَلِيُّ عليه السلام:

طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ
الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

خوشا به حال کسی که زیادی مال خویش را انفاق کند و
جلوی زیادی کلام خویش را بگیرد.



هرچیز که بیش از مقدار نیاز باشد، زائد و اسباب دردسر است. ثروت نیز اگر بیش از آن مقدار که کفاف زندگی را دهد، خرج تشریفات شود، مایهٔ دل‌بستگی به زرق و برق زندگی می‌شود. این کار موجب دل‌مشغولی در دنیا و محرومیت در آخرت می‌شود.

حکایت سخن نیز همچون مال است که اگر بیش از مقدار ضرورت باشد، آسیب است، نه امتیاز.

آثار پُرگویی

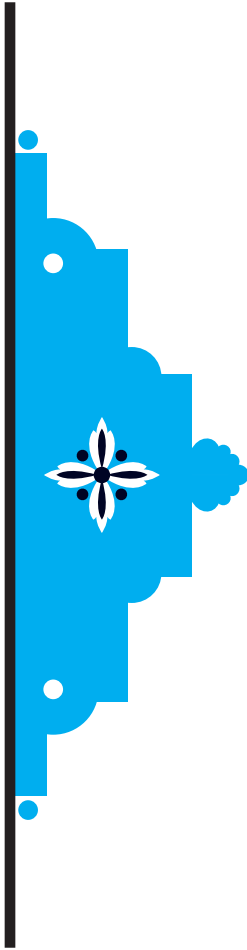
قالَ عَلِيُّ عليه السلام:

الْإِكْتَارُ يُزِلُّ الْحَكِيمَ وَ يُمِلُّ الْحَلِيمَ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

پُرگویی حکیم را می لغزاند و بردبار را نیز به ستوه می آورد.



آن که کم سخن می گوید، اگر
سواد چندانی هم نداشته باشد، غالباً
از لغزش مصون می ماند.

آن که زیاد می گوید، اگر علم و
حکمت نیز داشته باشد، دچار خطا
و لغزش می شود.

سخن اگر کوتاه باشد، کم حوصلگان
نیز گوش می سپارند و اگر طولانی
باشد، بردباران نیز به ستوه می آیند.

حُکْم نَدَانِسْتَه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ، كَانَ مَا يُفْسِدُهُ مِنْ
الدِّينِ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

کسی که ندانسته برای مردم فتوا دهد، آنچه از دین خراب
می‌کند، بیشتر از چیزی است که درست می‌کند.

بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۸

قضاوت دربارهٔ کسی یا چیزی، اگر بدون علم و آگاهی باشد، کار نادرستی است و هیچ کس آن را نمی‌پسندد. در مسائل دینی نیز اگر کسی بر معارف دینی اِشراف نداشته باشد و مقدمات لازم را برای فهم متون دینی کسب نکرده باشد، مُجاز نیست اظهار نظر کرده و حکم صادر کند. حتی اگر قصد ارشاد دیگران و آشنا کردن آنها با مسائل دینی نیز در کار باشد این کار جایز نیست؛ زیرا تحریف آموزه‌های دینی، گناه بزرگی است که اگر صورت پذیرد، خطر و ضرر آن از هر چیزی بیشتر است.



صدر نشینی

قال الصادق عليه السلام:

مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ، لَمْ يَزَلِ
اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

هر کس به جایی پایین تر از صدر مجلس رضایت دهد و بنشیند، تازمانی که برخیزد، خداوند و فرشتگان بر او درود می فرستند.

وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۷

صدر مجالس و محافل، جای
بزرگان قوم است. معمولاً دیگران
اگر در صدر نشسته باشند، جای
خود را به بزرگ ترها می دهند. البته
گاه دیگران آنان را بلند می کنند.
اگر کسی که می تواند در صدر
مجلس بنشیند، پیش از آنکه برای او
جا باز کنند، در جای دیگری بنشیند،
فرشتگان الهی تواضع و فروتنی او را
ستایش می کنند و تازمانی که در آنجا
نشسته است، بر او درود می فرستند.



 نصیحت آشکار

قالَ عليٌّ عليه السلام:

نُصْحَكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

نصیحت کردن در جمع، همان سرکوفت زدن است.

عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۷

گاه از بزرگ‌ترها می‌خواهند که چند کلمه‌ای دیگران را نصیحت کنند. این از بهترین فرصت‌ها برای بیان پاره‌ای تذکرات و گوشزد کردن بعضی خطاها و اشتباهات است.

باید مراقب بود که در بیان نصایح، نام کسی را برده نشود؛ زیرا این گونه نصیحت، جنبه شخصی پیدا می‌کند و دیگران آن را متوجه خود نمی‌دانند. علاوه بر این، آبروی شخص نام‌برده را نیز می‌برد و باعث تحقیر او نزد دیگران می‌شود. این دیگر نصیحت کردن نیست؛ بلکه سرکوفت زدن است.



عذرناپذیران

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

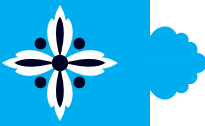
مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَّصِلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ
كَاذِبًا، لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هرکس عذرخواهی عذرخواه را، چه عذرش درست باشد
و چه نادرست، نپذیرد، به شفاعت من دست نیابد.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۳



برای عذرخواهی و تقاضای چشم‌پوشی، باید روی عزّت و آبروی خود پا گذاشت. البته عذرخواهی، نتیجه ناگوار خطا و لغزش است؛ اما طرف مقابل نیز نباید بیش از این به سرافکنندگی عذرخواه راضی شود. سزاست که عذر او را بزرگوارانه بپذیرد، حتی اگر عذرش پذیرفتنی نباشد.

کسی که بنده‌ای را از ذلّت عذرخواهی نرهماند، پیامبر خدا او را از ذلّت روز حساب نمی‌رهماند و به حال خویش وا می‌گذارد.

از کینه تا کینه‌ورزی

قال الصادق عليه السلام:

الْمُؤْمِنُ يَحْقِدُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ، فَإِذَا قَامَ،
ذَهَبَ عَنْهُ الْحَقْدُ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

کینه مؤمن تا زمانی است که در جای خود نشسته است؛ اما
هنگامی که برمی‌خیزد، کینه‌اش نیز از بین می‌رود.

تحف العقول، ص ۳۱۰

مؤمن نیز همچون دیگران، ممکن است از رفتار کسی دلخور شود یا در دلش کدورتی به کسی ایجاد شود؛ اما تا آنجا که می‌تواند، اجازه نمی‌دهد کدورت‌ها به کینه تبدیل شود. اگر هم کینه به دلش راه یافت، اجازه نمی‌دهد در دلش لانه کند و از جایش که برمی‌خیزد، کینه را بر زمین می‌گذارد و بادلی پاک می‌رود. مؤمن اهل کینه‌ورزی نیست.



بی‌اعتمادی دو طرفه

قالَ عليُّ عليه السلام:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَثِقُ بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَ لَا يَثِقُ
بِهِ أَحَدٌ لِسُوءِ فِعْلِهِ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

بدترین مردم کسی است که به دلیل بدگمانی‌اش، به کسی اعتماد نمی‌کند و کسی نیز به خاطر زشتی کارش به او اعتماد نمی‌کند.

غررالحکم، ح ۵۶۷۵

انسان بدگمان همواره خود را در معرض توطئه و غرض‌ورزی دیگران می‌داند. در قاموس او، هر کسی متهم است؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در نتیجه، هیچ‌گاه به کسی اعتماد نمی‌کند و کاری را به دست او نمی‌سپرد. بدیهی است که کسی هم به او اعتماد پیدا نمی‌کند؛ زیرا کار کردن با شخصی که به هر کسی و هر چیزی سوءظن دارد، مایه نگرانی است و به مشکلات احتمالی آن نمی‌ارزد. بدگمانی به تنهایی منجر می‌شود.



عاقبت تجسس

قالَ عليٌّ عليه السلام:

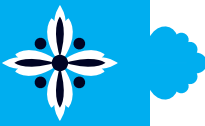
مَنْ بَحَثَ عَنِ أَسْرَارِ غَيْرِهِ، أَظْهَرَ اللَّهُ أَسْرَارَهُ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

هرکس رازهای دیگران را جست‌وجو کند، خداوند رازهایش را فاش می‌کند.

غررالحکم، ح ۹۶۵۵



گاهی پیگیری برخی کارها،
به تجسس در زندگی دیگران
می‌انجامد و این، کار پسندیده‌ای
نیست. چرا باید سرّ هر کاری را
دانست و از هر رازی پرده برداشت؟
کسی که در جست‌وجوی رازهای
دیگران باشد، اسرار زندگی‌اش برملا
خواهد شد. این رسم روزگار است.

حدّ احتیاط

قال الإمام العسکری علیه السلام:


إِنَّ لِلْحَزْمِ مِقْدَارًا، فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ.



امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

دوران‌دیشی و احتیاط اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود،
 به کم‌جرئتی تبدیل می‌شود.

بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷

بی‌باکی جوان‌ها همواره به توصیهٔ بزرگ‌ترها در رعایت احتیاط و دوران‌دیشی نیاز دارد. البته رعایت احتیاط نباید به پرهیز از هر کار سخت و پیچیده بینجامد؛ زیرا گاهی، انجام‌دادن این‌گونه کارها ضرورت یا فضیلت دارد. بنابراین شایسته نیست به بهانهٔ احتیاط، از انجام‌دادن آن‌ها امتناع ورزید. این دیگر احتیاط نیست، کم‌جرئتی است.



نوجوانان را دریابیم

قال الصادق عليه السلام:

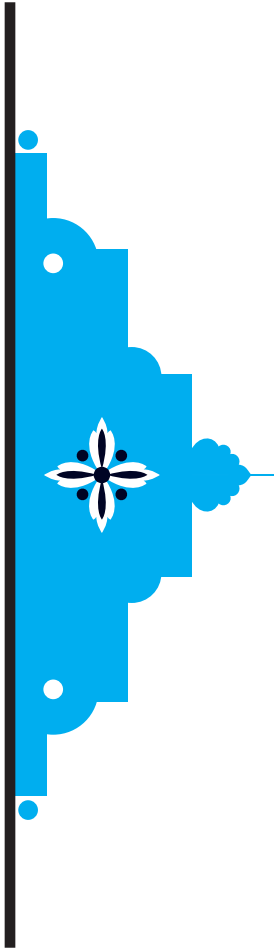
عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ؛ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

بر تو باد نوجوانان؛ زیرا آنان در هر کار خیری از دیگران
چابک‌ترند.

الکافی، ج ۸، ص ۹۳



دوران نوجوانی، از سویی هنوز فطرت پاک و نورانی دوران کودکی و از سوی دیگر، بارقه‌هایی از خلاقیت و درایت دوران جوانی را به همراه دارد. هیچ‌کس از سرمایه‌گذاری روی نوجوانان پشیمان نمی‌شود.

کفارة فال بد

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

كَفَّارَةُ الطَّيْرِ، التَّوَكُّلُ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

کفارة فال بدزدن، توکل به خداست.

رشته همه کارها به دست خداست
و هیچ چیز بدون اراده او در عالم
شکل نمی گیرد.

اگر تیغ عالم بجنبد ز جای

نبرد رگی گر نخواهد خدای

کسی که به خاطر فال بد و اعتقاد
به شومی کاری، از انجام دادن آن
منصرف می شود، گمان کرده که
خداوند از برطرف کردن آثار و
عواقب منفی آن کار عاجز است. این،
قدرتی را در عرض خدا ساختن و همان
شرك است. جبران این گمان ناروا،
دررها کردن آن و توکل به خداست.



عمرها و اجلها

قال الصادق عليه السلام:

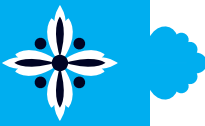
يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْشُونَ
بِأَعْمَارِهِمْ، وَ يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا
يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

مردم بیش از آنکه با عمر خود زندگی کنند، به احسان و نیکوکاری خویش زنده‌اند و بیش از آنکه به سبب فرارسیدن اجل خود بمیرند، در اثر گناهان خویش درمی‌گذرند.

بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۰



برای هر کس اجلی است که نقطهٔ پایان
زندگی او در دنیا و آغاز زندگی او در
سرای دیگر است. این گونه نیست که
همگان تا اجلی زنده بمانند که برای
آنان مقدر شده است؛ زیرا بعضی
گناهان سبب می‌شود پروندهٔ زندگی
انسان زودتر بسته شود.

همین‌طور برخی اعمال صالح موجب
می‌شود انسان فرصتی بیشتر از آنچه تا
اجل وی مقدر شده داشته باشد.
بسیاری از اوقات، حرف آخر را نه
اجل، بلکه عمل می‌زند.

معامله دنیا و آخرت

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

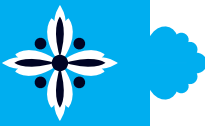
شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَ شَرُّ مَنْ
ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

بدترین مردم کسی است که آخرت خود را برای دنیایش
بفروشد و از آن بدتر، کسی است که آخرت خود را برای
دنیای دیگری بفروشد.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲



دنیای فانی برای خود، ارزش مستقلى ندارد و تمام ارج و بهای آن به این است که بتواند مقدمات سعادت ابدی ما را در سرای باقى تأمین کند. بر همین اساس، ما برای آخرت ماندگار آفریده شده ایم، نه دنیای ناچیز و ناپایدار. چه بدبخت است کسی که آخرت خویش را از دست مى دهد تا دنیایش آباد شود؛ چه رسد به آنکه بخواهد دنیای دیگرى آباد شود.

کار برای دنیا و کار برای آخرت

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

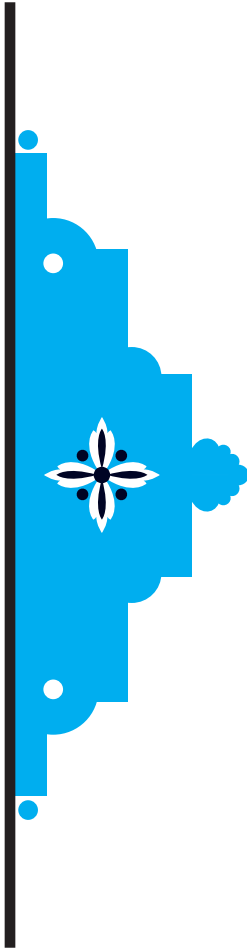
اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ
لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

برای دنیای خود چنان کار کن که گویی تا ابد زندگی خواهی کرد و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مُرد.

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۳۴



در مکتب ما، کار برای دنیا عار نیست؛
اما حرص زدن و حرص خوردن برای
دنیا نکوهیده است.

مؤمن نگران آخرت خویش است
که سرای ابدی اوست، نه دنیایی که
باهمه خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، بسیار
زود پایان می‌یابد.

شب‌های نیایش

قال الصادق عليه السلام:

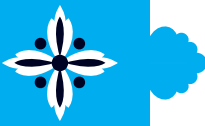
عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَ دَأْبُ
الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَمَطْرَدَةٌ الدَّاءِ عَنِ أَجْسَادِكُمْ.



امام صادق عليه السلام فرمودند:

بر شما باد نماز شب که سنت پیامبر شماست و شیوه
صالحان پیش از شما و دورکننده درد و بیماری از
جسم‌هایتان.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۲



روح افسرده از احوال دنیا، در
مناجات با پروردگار، طراوتی
دوباره می‌یابد. به‌ویژه آن‌هنگام که
در خلوت شب به قنوت بایستد.
نماز شب، هم‌نگهبان جان است و هم
تن؛ زیرا بدن نیز با نماز شب از بسیاری
دردها و آفات ایمن می‌شود.
دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نماز نیمه‌شبی دفع صد بلا بکند

شب‌های درد

قال الباقر عليه السلام:

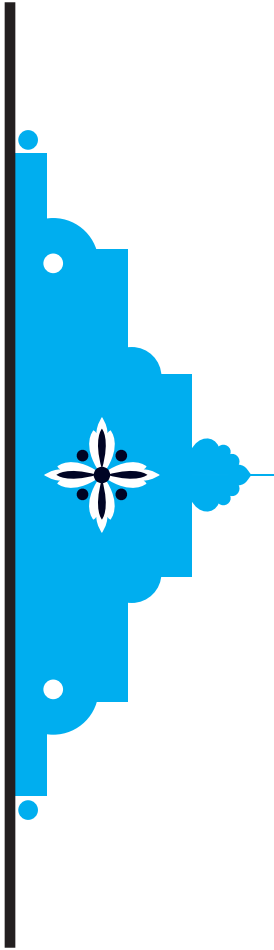
سَهْرُ لَيْلَةٍ مِنْ مَرَضٍ أَوْ وَجَعٍ، أَفْضَلُ وَ أَعْظَمُ
أَجْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.



امام باقر عليه السلام فرمودند:

شبی را از بیماری یا درد نخفتن، برتر و اجرش بیشتر از
یک سال عبادت است.

الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴



گاهی شبی به بیداری می گذرد. نه
به نماز و مناجات؛ بلکه به ناخوشی و
دردی که اجازه پلک برهم گذاشتن
به انسان نمی دهد.

شب زنده داری در این شبها
ناخواسته است؛ اما این توفیق
اجباری، پاداشی بیش از اجر یک
سال عبادت را به همراه دارد.

خیانت به بدن

قالَ عَلِيُّ عليه السلام:

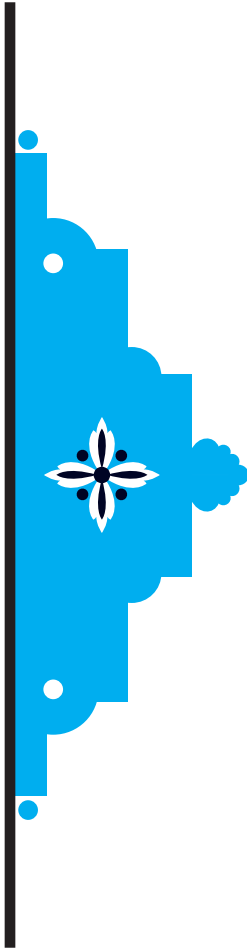
مَنْ كَتَمَ الْأَطِبَّاءَ مَرَضَهُ، خَانَ بَدَنَهُ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

کسی که بیماری خود را از پزشکان بپوشاند، به بدن خود خیانت کرده است.

غررالحکم، ح ۱۱۱۸۹



بیماری اگر به موقع تشخیص داده شود،
درمانش بسیار سریع تر و آسان تر از
زمانی است که دیر هنگام آشکار شود.
درست است که برخی بزرگ ترها
صبر و تحملی بسیار بیشتر از جوان ترها
دارند؛ اما این دلیلی برای مراجعه نکردن
به پزشک نمی شود.

کتمان درد فضیلت است، نه کتمان
بیماری.

تا بستر

قالَ عليٌّ عليه السلام:

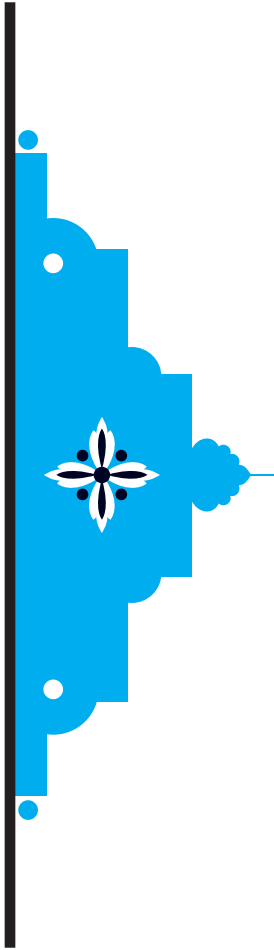

لَا تَضْطَجِعْ، مَا اسْتَطَعْتَ الْقِيَامَ مِنَ الْعِلَّةِ.



امام علی عليه السلام فرمودند:

تازمانی که بیماری تو را از پا نینداخته است، خود را در
بستر مینداز.

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۲



از میان‌سالی به بعد، دورانی است
که بدن انسان آهنگ ناسازگاری
می‌نوازد و دیگر مانند گذشته با ما
همراهی نمی‌کند.

اگر قرار باشد با کوچک‌ترین درد
و بیماری، خود را در بستر بیندازیم،
تمام سال‌های پیری در بستر خواهد
گذشت.

به بستر نباید روی خوش نشان داد
تا به بدن عادت نکند. اگر عادت
کرد، دیگر رهایمان نمی‌کند.

کلید گنجینه عمر

قال الصادق عليه السلام:

مَنْ حَسَنَ بَرُّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، مُدَّ فِي عُمُرِهِ.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

هر کس با خانواده خود نیکوکار باشد، عمرش افزون شود.

کوتاهی و بلندی عمر انسان، عللی طبیعی دارد که در جای خود بیان شده است. علاوه بر این‌ها، عوامل دیگری در افزایش عمر دخالت دارد که از سِنخ مسائل جسمی و طبی نیست.

این عوامل، در ظاهر، با عمر انسان رابطه‌ای ندارند؛ اما در نصوص دینی، جزو عوامل فزایندهٔ عمر هستند. یکی از این عوامل، نیکوکاری با خانواده است.

کسی که اهل خانواده‌داری است، فرصت بیشتری برای زندگی خواهد داشت.



گذرنامه‌های بهشتی

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

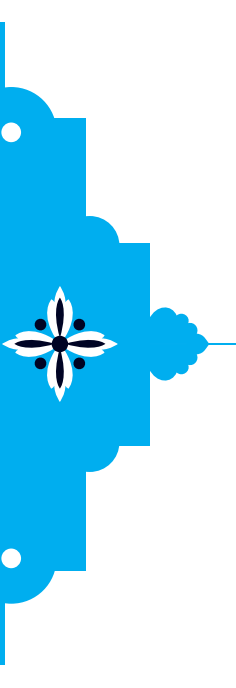
أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ: تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ
الْخُلُقِ.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

امت من بیشتر به سبب دو خصلت وارد بهشت می‌شوند:
خداپروایی و خوش‌خویی.

الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰



پیامبر خدا ﷺ تجلی بندگی پروردگار
و تجسم خداپرورایی بودند. در حسن
خُلق و مکارم اخلاقی نیز سرآمد
همگان بودند.

امت ایشان نیز اگر در خداپرورایی و
خوش خویبی، به آن اسوهٔ حسنه اقتدا
کنند، در بهشت، هم‌نشین پیامبرشان
خواهند بود.

کتابنامه

۱. محمد بن حسن الطوسی، الأمالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲. حسن بن ابی الحسن الدیلمی، اعلام الدین، قم: آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۳. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴. حسن بن شعبه الحرانی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۵. تاج الدین الشعیری، جامع الاخبار، قم: رضی، ۱۳۶۳ ش.
۶. محمد بن علی الصدوق، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۷. علی بن محمد الليثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.
۸. عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۹. محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۰. محمد بن علی الصدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: مکتبه الفقیه، بی تا.
۱۲. حسین النوری، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ ق.